

سه درس آموختنی از دفاع مقدس

مدیرعامل سازمان تامین اجتماعی در مراسم افتتاح نمایشگاه «یاد یاران»، که به مناسبت هفته دفاع مقدس بر گزار شد، این هفته را اسمبل ایستادگی ملت در برابر استکبار جهانی و فرصتی برای گرامیداشت یاد و خاطره نام‌آوران دوران صبر و استقامت عنوان کرد. سیدتقی نوربخش توجه به نقش و قدرت سلاح ایمان و تقوا در به زانو درآوردن استکبار، توجه به جان فشانی‌های شهیدان و تأثیرات آن در تأمین امنیت و عزت کشور و پایداری بر سر آرمان‌های انقلاب اسلامی را سه درس آموختنی از دفاع مقدس دانست و اضافه کرد: «ببرد در عرصه‌های اقتصادی همچنان ادامه دارد و ملت ایران باید آمادگی خود را برای مقابله با دشمنان حفظ کند.»

یکشنبه ● ۴ مهر ۱۳۹۵ ● شماره هفتاد و دو

ا ت ی v ع ه ن و

ویس‌شده

هفته‌دفاع مقدس

نگاهی به وضعیت مناطقی که در صفوف مقدم دفاع مقدس بودند

پیش‌قراولان دفاع مقدس را دریابیم



«مسعود شاه‌حسینی»

● خبرنگار ●

از زمانی که بشر پای بر پهنه هستی گذاشته، سرنوشتش با «جنگ» پیوند خورده است. با اینکه در قاموس همه ملت‌ها «جنگ» امری ناپسند شمرده شده، اما گاه برای حفظ استقلال، حیثیت و دستاوردهای یک ملت، گریزی از دفاع و پاسخ قاطع به جنگ‌افروزان نیست. در طول تاریخ،جنگ‌های بسیار آمده‌اند و رفته‌اند که بشر در هولناک‌ترین لحظات آنها جان گرفته و جان داده است. جنگ‌ها از نبردهای رودرو تا نامتقارن‌ترین گونه‌های آن، گاه تمدن‌ها را با تمام مظاهرش از صحنه روزگار محو کرده‌اند و گاه نیز آثار مخرب خود را بر پیکر انسان‌ها و زیست‌بوم آن‌ها بر جای گذاشته‌اند. گرچه در گذر سده‌ها، ایران و ایرانی نیز بارها به دایره این «جبار تاریخی» کشانده شده و طعم تلخ جنگ‌های تحمیلی را به کرات چشیده‌اما همین حدود ۴ دهه پیش بود که یکی از طولانی‌ترین و هولناک‌ترین جنگ‌های قرن بیستم را به خود دید. جنگی که وجوه عینی و مصداق کامل آن را می‌توان در جان فشانی‌ها و شهادت‌های مردان و زنان این مرزوبوم برای دفاع از آرمان‌های برآمده از انقلابی تازه به نظاره نشست. حال اما قریب به ۲۸ سال می‌گذرد از سالی که آتش‌افروزی جنگ و بنیان آن مرزهای غرب و جنوب غرب کشور را درنوردید. بازسازی این مناطق تقریباً به اتمام رسیده و توسعه اقتصادی و اجتماعی آن‌ها نیز کماکان ادامه دارد اما با وجود همه تلاش‌های صورت گرفته، هنوز از پس سال‌ها آثار جنگ هنوز بر چهره برخی از شهرها و روستاهایی که در خط اول دفاع از میهن قرار داشتند، هویداست.

زخم‌هایی که هنوز تازه است

استان‌های جنوبی، غرب و جنوب غرب که روزگاری کمربند دفاعی کشور در مقابل متجاوزان شناخته می‌شدند و جلوه‌های متعالی ایثار، از خودگذشتگی و رشادت فرزندان این مرز و بوم با نام آنها مترادف است، امروز در برخی عرصه‌ها، سهمی بیش از متصف شدن نامشان با لفظ «محروم» ندارند که خود گواه حقیقتی تلخ در رابطه با آن‌هاست. سال‌ها پس از جنگ، در حالی که هر کدام از این استان‌ها بر گنجینه‌ای از استعدادها و پتانسیل‌های بی‌همتا نشسته‌اند، در قیاس با ظرفیت‌ها و استعدادهای موجود و نیز زخم‌هایی که درسال‌های جنگ تحمیلی تجربه کرده‌اند، پهرمای نامتقارن از توسعه‌یافتگی برده‌اند. بیکاری، مهاجرت به شهرهای بزرگ‌تر، معضلات و گرفتاری‌های محیطی و جغرافیایی و درنهایت هم افزایش شکاف‌های اقتصادی و اجتماعی، از مشکلاتی است که هنوز هم برخی از ساکنان این استان‌ها با آن درگیرند.

نرخ‌های ناامیدکننده اشتغال و بیکاری

مخرج مشترک عده‌م مشکلات و چالش‌های کشور در عرصه داخلی در توسعه‌نیافتگی، حاشیه‌نشینی وموضوع اشتغال خلاصه می‌شود. هرچند اشتغال و بیکاری تنها دو مؤلفه از چندین شاخصه مؤثر بر رفاه و توسعه‌یافتگی قلمداد می‌شوند که عموماً از آن‌ها به‌عنوان اصلی‌ترین بن‌مایه‌های رفاه، برای کنکاش در هر رابطه دولت-ملتی استفاده می‌شود اما وضعیت زمانی پیچیده‌تر می‌شود که در شناسایی دغدغه غالب ساکنان استان‌های جنوبی، غربی و جنوب غربی که در دوران دفاع مقدس در گیر مشکلات ناشی از جنگ تحمیلی بودند (ایلام، خوزستان، کردستان و کرمانشاه) وضعیت معیشتی، کفه سنگین ترازو است.

براساس گزارش‌های منتشره مرکز آمار ایران، در حالی که نرخ بیکاری در دو سال منتهی به ۱۳۹۵ در کل کشور به ترتیب ۱۱/۶ و ۱۱ درصد بوده، این نرخ در استان ایلام ۱۱/۱ و ۱۱/۶ درصد، در خوزستان ۹/۹ و ۱۰/۹ درصد، و در کردستان ۱۱/۶ و ۱۳/۳ درصد بوده است. در این میان با اینکه در خوزستان اوضاع اندکی مساعدتر به نظر می‌رسد، در مقابل بالاترین نرخ بیکاری متعلق به استان کرمانشاه است که با نرخ ۱۵/۶ درصدی برای سال ۱۳۹۳ و ۱۷/۶ در سال ۱۳۹۴، رکورد بیشترین نرخ بیکاری را به نام خود ثبت کرده است. علاوه بر این کمترین مشارکت اقتصادی نیز در همین استان‌ها به دست آمده است. بر اساس پراکنش‌های نرخ مشارکت اقتصادی و در شرایطی که میانگین نرخ مشارکت اقتصادی کشور در سال گذشته ۲۸/۲ درصد بوده، جمعیت بالای ۱۰ سال استان‌های ایلام، خوزستان، کردستان و کرمانشاه به ترتیب ۳۶/۵، ۳۷/۵، ۴۰/۲ و ۳۹/۵ درصد از خود مشارکت نشان داده‌اند. همچنین بررسی سهم اشتغال بخش‌های مختلف فعالیت اقتصادی استان‌ها به تفکیک نشان می‌دهد که متاثر از کمبود امکانات و غفلت یابی توجهی به امر توسعه در این مناطق، سهم بخش‌های کشاورزی و خدمات در سبد فعالیت‌های اقتصادی این مناطق همواره بالاتر بوده است. به طور مثال در خوزستان که اتکای عمده درآمدهای نفتی کشور به آن است، بخش صنعت تنها

۳۷/۲ درصد از سهم مشارکت و اشتغال را به خوداختصاص داده (میانگین کشور ۳۲/۵ درصد است) و در طرف مقابل نیز ۵۲/۴ درصد شـاغلان در بخش خدمات این استان مشغول به کارند که با توجه به میانگین ۴۹/۴ درصدی کشور، رقمی قابل تامل است. در بخش کشاورزی نیز به طریق اولی وضعیت کمابیش مشابهی حاکم است و حتی به علت تشدید اثرگذاری تغییرات اقلیمی بر مناطق و سیاست‌های غیراصولی در این بخش، شاهد تغییر جهت از فعالیت‌های کشاورزی به بخش خدمات هستیم.

مبارزه با بیکاری از طریق صنایع کوچک و متوسط

با اینکه در طول تمام سال‌های پس از جنگ تحمیلی هر کدام از دولت‌ها به‌نوبه خود مجموعه سیاست‌هایی را برای بازگرداندن این مناطق به محور آبادانی و توسعه به بوته آزمایش گذاشتند، همچنان به نظر می‌رسد برخی از این استان‌ها نتوانسته‌اند در بخش‌هایی از زیر سایه عوارض سنگین جنگ کمر راست کنند. در این میان دولت یازدهم سیاست نسبتاً متفاوتی را در پیش گرفته است. متفاوت از آن رو که یکی از مهم‌ترین راهبردهای اقتصادی حسن روحانی که کاهش نرخ تورم و تک‌رقمی شدن آن بود، سرانجام تیرماه امسال جواب داد و پس از ۲۶ سال نرخ تورم تک‌رقمی شد. با اینکه کاهش نرخ تورم به‌خودی‌خود درمانگر بسیاری از دردهای اقتصاد کشور است، در صورت همراهی‌اش با ایجاد اشتغال و کاهش نرخ بیکاری است که بر زندگی مردم اثرات عملی خواهد گذاشت. دولت دستیابی به نرخ بیکاری تک‌رقمی از مسیر توسعه مشاغل پایدار تا سال

۱۳۹۶ را وعده داده و در این مسیر عزم خود را بر حمایت تام و کمال از صنایع کوچک و متوسط قرار داده است. حمایت از طریق طرح‌هایی مانند «اشتغال عمومی»، «تکاپو» و «حُرکت» (اشتغال فراگیر ضدفقر) که هدفش دستیابی به رشد اقتصادی فقرزدا و اشتغال محور، جبران عقب‌ماندگی‌های گذشته و تقویت بخش مولد اقتصاد کشور است. حوزه‌ای پرچالش که کارشناسان و دولت شرط موفقیتیش را توجه به مناطق محروم می‌دانند و از آن به پنجره‌ای تعبیر می‌کنند که در صورت استفاده صحیح، دستیابی به سطحی از توسعه‌یافتگی، پایداری و رشد اقتصادی مناطق توسعه‌نیافته و محروم چندان دور از دسترس نخواهد بود.

استفاده از مزیت نسبی استان‌های جنگ‌زده در طرح اشتغال فراگیر

در همین رابطه معاون توسعه کارآفرینی و اشتغال وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی که خود از طراحان اصلی طرح‌های اشتغال محور دولت است، پایداری اشتغال و توجه به نهادسازی و فرآیندهای اجرای کار در مناطق غرب و جنوب غرب کشور را رمز موفقیت این استان‌ها برای پشت سر گذاشتن مسائل و مشکلات می‌داند. عیسی منصوری در تبیین جایگاه این استان‌ها در طرح اشتغال‌زای ضدفقر دولت به آتی‌نو می‌گوید: «دولت یازدهم پروژه‌هایی در استان‌های ایلام، خوزستان، کردستان، کرمانشاه، و لرستان در دست اجرا دارد که متکی به توانایی‌ها و مزیت‌های این استان‌هاست. در اجرای آن‌ها که



کتیبه ۰۵



● یادداشت ●

● سیدمعیددفر ●

|||||

نقش کارگران درهشت‌سال جنگ تحمیلی

تاکنون کمتر مطالعه دقیقی در رابطه با نقش اقشار و گروه‌های مختلف و به طور مشخص کارگران در دوران دفاع مقدس صورت گرفته است. به هر روی امری واضح است که گروه‌های سنی و شغلی و به‌خصوص جوانان در بخش‌های مستقیم و غیرمستقیم جبهه‌ها سهم عمده‌ای داشته‌اند. با این حال در این واقعیت نیز جای شبهه نیست که گروه‌های مختلف کارگران در جبهه‌های جنگ نقش بی‌بدیلی داشته‌اند. به‌ویژه که اقشاری متعلق به طبقه متوسط و رو به پایین جامعه از نظر وضعیت اقتصادی بوده‌اند. در ایام جنگ در حالی که جوان‌ترها در خطوط مقدم دفاع می‌جنگیدند ، ادامه فعالیت کارخانه‌ها و صنایع و به طور کلی تولید در شرایط فشار اقتصادی رو به تزاید، با همت و انگیزه مضاعف و انقلابی کارگران امکان‌پذیر می‌شد. به عبارت دیگر نقش آفرینی کارگران هم در جبهه‌ها و هم در پشت جبهه‌ها مطلبی نیست که بتوان به‌راحتی از کنار آن گذشت. حتی می‌توان این باور را داشت که درپشت جبهه‌های جنگ، تاثیرگذاری جامعه کارگری ارزشی کمتر از جانفشانی‌های رزمندگان خطوط مقدم نداشته است و شکی نیست که غلبه بر آن شرایط دشوار، بدون تدارکات و پشتیبانی و بدون تلاش روزافزون کارگران امکان‌پذیر نمی‌شد. موضوع دیگر انگیزه اقشار و طبقات متوسط و رو به پایین جامعه در رویارویی با پدیده جنگ تحمیلی بود. پیروزی انقلاب پدیده‌ای بود که با مشارکت همه اقشار و گروه‌های اجتماعی به دست آمد. در شکل‌گیری نظام سیاسی جدیدی که روی کار آمده بود،آحاد جامعه – هرچند با انگیزه‌ها و اهداف مختلف – سهم و مشارکت داشتند. عموم مردم و به‌ویژه طبقات اقتصادی رو به پایین، قائل بر ضرورت پاسداری از انقلاب و آرمان‌های آن به‌هر شکل ممکن بودند و از همین زاویه نیز جبهه‌ها عرصه حضور مردمانی از همه اقشار و به‌ویژه کارگران بود. افرادی که بدون هیچ چشمداشتی به دفاع از وطن پرداختند و انگیزه‌های آن‌ها نیز عموماً غیرمادی و ارزش‌محور بود. جز با ارزش‌هایی غیر از ارزش‌های متعالی یک جامعه انقلابی نمی‌توان به تحلیل پدیده‌ای چون جنگ تحمیلی و نیروهای اجتماعی ذخیل در آن پرداخت. امروز اما شرایط دگرگون شده است. کارگران آن روزها برای حفظ انقلاب و برای دفاع از ارزش‌هایی که برای آن انقلاب کرده بودند، بهای سنگینی پرداخت کردند. هزاران شهید گلگون کفن و مجروح و معلول و معوق، ثمره دفاع جانانه مردم انقلابی از ارزش‌هایی بود که جامعه به طور کلی و کارگران به طور خاص در پی آن بودند. از همین منظر نیز باید به داوری وضعیت فعلی نشست. جامعه ما درگیر مشکلات و مسائل فراوانی است. فشارهای اقتصادی عموماً و بیش از همه بر طبقات متوسط و رو به پایین سنگینی می‌کند. کارگران و خانواده آنان با مشکلات اقتصادی را به‌سختی به دوش می‌کشند. بیکاری گسترده است و همین عوامل فشار عظیمی بر اقشار کم‌درآمد جامعه و به‌ویژه کارگران وارد کرده است. متاثر از همین شرایط دشوار، اقشار متوسط و از جمله کارگران که بی هیچ چشمداشتی تا دیروز در جبهه‌ها به دفاع از وطن خویش می‌پرداختند، گاه در تأمین آینده خود و فرزندانشان با دشواری‌های جدی مواجه‌اند. شرایط عمومی جامعه متفاوت از گذشته است و در برخی حوزه‌ها احساس نابرابری و تبعیض رو به تزاید. تفاوت‌های طبقاتی امروز بسیار محسوس‌تر از گذشته است. همه این‌ها به لحاظ روانی فشاری سنگین بر اقشار ضعیف جامعه ایجاد می‌کند،انگیزه‌های مردم را در همه‌سطوح ضعیف می‌کند و خصوصاً کارگران چنین فشاری را بیش از گذشته احساس می‌کنند. برخی مطالعات انجام شده و بررسی‌های صورت گرفته، نشان می‌دهد که رضایت نیروهای کار از شرایط اجتماعی و اقتصادی خود، متاثر از اوضاع نابسامان اقتصادی که خود را در شفاف‌میان در آمد و هزینه‌نشان داده و همچنین دیگر فشارهای مضاعف اجتماعی و اقتصادی، به سطحی نگران‌کننده رسیده است که باید برای آن چاره‌ای جدی اندیشید. با بررسی نقش و سهم جامعه کارگری و نیروهای مولد در پیروزی انقلاب و حفظ آن در مقاطع مختلف و باقدر شناسی بیشتر از جانفشانی‌های آنان و خانواده‌هایشان، نباید اجازه داد که شرایط به گونه‌ای رقم بخورد که آینده اقشار متوسط و رو به پایینی که روزگاری پرچم‌دار دفاع از سرزمین بودند، مهیم و تاریک شود. انتظار می‌رود اقشاری که بیشترین سهم را در تحمل فشارها و مشکلات داشته‌اند، به بهبود وضعیت و آینده خود و فرزندان خود امید بیشتری داشته باشند و مسئولان در تصمیمات خود به این قشر توجه بیشتری کنند. لیکن همچنان این طبقات و به‌خصوص کارگران باید به امید روزهای بهتر، منتظر بمانند.

جامعه‌شناس و مشاور اجتماعی وزیر مسکن و شهرسازی